

The position of the elderly and how to interact with them in the narrations of Ahl al-Bayt (AS) (Review study)

Hasan Asgharpour¹, Gholamreza Marefi^{2*}

1- Assistant Professor, Shahed University, Tehran, Iran.

2- Assistant Professor, Shahed University, Tehran, Iran. (Corresponding author)

Email: shahed@gmail.com

Received: 19 July 2020

Accepted: 30 Nov 2020

Abstract

Introduction: The elderly, a part of human society, for who in different religious and non-religious cultures and rituals there is a special place and respect. The elderly, due to their abundant experience of ups and downs of life, may be valuable and very strategic models for the development and promotion of all aspects of human life (both religious and non-religious). As for Islam, as a religion based on love and respect, this age group has a special respect and value; the narrations of Ahl al-Bayt (AS) indicate to various dimensions of the position of the elderly in society and the necessity of protecting their dignity. This frequency of roles requires that their place and function in the religious heritage must be considered and analyzed. In this research, an attempt has been made to do this important.

Method: In this review study, the considered information is extracted and analyzed through studying the contents of the Qur'an, the narrations of the Ahl al-Bayt (AS) and related articles, with regard to the keywords "elderly", "honoring the elderly", "interaction with the elderly", "the elderly in Islam" in a total of 25 articles and books under the subject of "elderly".

Results: According to the narrations of Ahl al-Bayt (AS), there is a direct ratio between the growth and development of human societies and the degree of respect and benefit from the experiences and teachings of the elderly; In other words, old age is not a period of disability and isolation, but a period of service and role-playing, in a different and of course valuable way.

Conclusions: The elderly are the scientific and epistemological authority of human societies. Their experience is a valuable achievement, and a big step towards conquering the new peaks of science and culture. In Islam, there is a direct ratio between increasing age and increasing dignity and respect; this means that old age in Islam is a time of honor, commemoration and sharing experiences with the young generation of society.

Keywords: Aged, interacting with the elderly, Islam.

جایگاه سالمندان و نحوه تعامل با آنها در روایات اهل بیت (ع) (مطالعه مروری)

حسن اصغرپور^۱، غلامرضا معارفی^{۲*}

۱- استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

ایمیل: marefi.shahed@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۹

چکیده

مقدمه: سالمندان، بخشی از اقشار جامعه بشری را تشکیل می‌دهند. در فرهنگ‌های و آیین‌های مختلف دینی و غیردینی، برای این قشر، جایگاه و احترامی خاص در نظر گرفته شده است. سالمندان، نظر به تجربه فراوان و چشیدن سرد و گرم روزگار، می‌توانند الگوهایی ارزنده و بسیار راهبردی در جهت پیشرفت و ارتقاء همه ابعاد زندگی بشر (اعم از دینی و غیردینی) باشند. در دین اسلام که بر پایه مهر و تکریم استوار است، این گروه سنی از احترام و ارزش ویژه‌ای برخوردارند. در روایات اهل بیت (ع) ابعاد مختلفی از جایگاه سالمندان در جامعه و لزوم پاسداشت شأن آنها مشاهده می‌شود. این فراوانی و بسامد نقش ایجاب می‌کند که جایگاه آنان و کارکردشان در میراث دینی، مورد توجه و تحلیل قرار گیرد. در این پژوهش کوشش شده تا این مهم صورت پذیرد.

روش کار: تحلیل داده‌ها در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و از نوع تحلیل اسنادی است. بر این اساس، با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، روایات اهل بیت (ع) مرتبط با موضوع سالمندان، از منابع روایی کهن و تخصصی فریقین (شیعی و سنی) استخراج شده و پس از دسته‌بندی و واکاوی محتوایی، مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: بر اساس پژوهش‌های صورت‌گرفته و نیز بررسی‌های انجام‌شده در پژوهش حاضر می‌توان گفت: میان رشد و بالندگی جوامع بشری با میزان تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تجارب و آموزه‌های آنان نسبت مستقیمی وجود دارد؛ به بیان دیگر، سالمندی، دوره‌ای از کارافتادگی و انزوا نیست، بلکه دوران خدمت و نقش‌آفرینی در شکلی متفاوت و آن کمک به افزایش سطح آگاهی عمومی و تخصصی جوانان و میان‌سالان است. با این وصف، در آموزه‌های اسلامی، افزون بر حفظ احترام و تکریم سالمندان، برای آنان جایگاهی هدایت‌گرانه در نظر گرفته شده است. تجربه سالمندان، روند رشد و پیشرفت جوامع بشری را تسریع می‌نماید. در نگرش دینی، سالمندان از کارافتاده و بی‌مصرف نیستند، بلکه ثمره یک عمر تجارب اندخته آنان هدایت‌گر جوامع بشری در همه عرصه‌هاست.

نتیجه‌گیری: سالمندان، مرجعیت علمی و معرفتی جوامع بشری را بر عهده دارند. تجربیات آنها به عنوان رهاوردی ارزنده، و گامی بلند برای فتح قلّه‌های جدید علم و فرهنگ است. میان افزایش سن، با فزونی عزت و احترام در دین اسلام، نسبت مستقیمی وجود دارد؛ بدین معنا که سالمندی در دین اسلام، دوران عزت، بزرگداشت و اشتراک‌گذاری تجربیات با نسل نوپای جامعه است.

کلیدواژه‌ها: سالمندان، تکریم سالمندان، تعامل با سالمند، نقش سالمندان از منظر اسلام.

دوره سال‌مندی یکی از ادوار زندگی انسان به‌شمار می‌رود. نگاهی به تاریخ اقوام و ملل مختلف جهان در درازنای تاریخ، نشان از آن دارد که همواره بزرگان و سالخوردگان از جایگاه ویژه اجتماعی برخوردار بوده‌اند و اندیشه‌ها و تجربیات آنها در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی مورد توجه و اهتمام قرار گرفته است. سالمندان هم می‌توانند مایه رشد و تعالی یک جامعه باشند و هم عامل انحطاط و انحراف. در آیه ۶۷ از سوره احزاب، از حال کافران در رستخیز سخن به میان آمده که در مقام بهانه‌تراشی گویند: «ما از مهتران و بزرگان مان اطاعت کردیم و آنها ما را گمراه کردند» (۱). نگاهی به منابع روایی فریقین (شیعه و سنی) نشان از آن دارد که روایات گسترده و درخوری بدین مهم اختصاص یافته است. در کافی کلینی که از کهن‌ترین و معتبرترین کتب روایی شیعه به‌شمار می‌رود، فصلی با عنوان «إجلال الکبیر» اختصاص یافته که روایاتی را در این زمینه در خود جای داده است. (۱۴) در آثار روایی اهل سنت نیز روایاتی از رسول خدا (ص) در اهمیت پاسداشت شأن پیران و تکریم سالمندان گزارش شده است. فراوانی روایات در این موضوع و پراکندگی آنها در منابع شیعی و سنی، به‌خوبی از اهمیت این موضوع پرده برمی‌دارد.

نکته درخور توجهی که باید بدان اشاره نمود آن است که هرچند عموم سالمندان به اعتبار سن و تجربه‌شان از جایگاه و احترامی عام در فرهنگها به ویژه فرهنگ اسلامی برخوردارند، اما گروهی از سالمندان که از اندیشه‌ای ناب یا خردی بیدار بهره دارند با عناوینی خاص یاد شده‌اند و همسان انبیای الهی از آنها تکریم شده است. نظر به آنچه گذشت، این حقیقت روشن می‌شود که سالمندان نیز به اعتبار آگاهی و خردشان دارای مراتبی هستند و شناخت مراتب آنها و ویژگیهایشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از دیگر سوی، با توجه به هرَم جمعیتی پیش‌روی کشور و افزایش رفته رفته نسل سالمند، شناخت جایگاه سالخوردگان و دستیابی به الگوی تعامل با آنها بر پایه آموزه‌های آسمانی دین اسلام حائز اهمیت است.

رسالت این پژوهش آن است که بر پایه روایات معصومان (ع) جایگاه سالمندان را باز نمایند، نقش آنها در رشد و تعالی فکری و فرهنگی جامعه را نمایان سازد و وظایف آحاد جامعه اسلامی در برابر این گروه اجتماعی - انسانی را روشن سازد. بر پایه یک بررسی آماری صورت‌گرفته، در سال ۲۰۲۰،

شمار سالمندان کره زمین به ۹۷۶ میلیون نفر رسیده است. (۲) در کشور ما نیز، بر اساس یک پژوهش، تا سال ۲۰۵۰ هجری، شمار سالمندان به بیش از ۲۶ میلیون نفر خواهد رسید. (۳) محققان و پژوهشگران علوم زیست‌شناسی و پزشکی، بر این باورند که سالمندی عبارتست از: گونه‌ای متداول از محور تدریجی جسم در ساختار و فعالیت، که در اثر سالخوردگی و گذر عمر برای موجود زنده پس از تکامل رخ می‌دهد؛ و این دگرگونی‌های نابود کننده همگام با گذشت سن و سال تمام دستگاه‌های فیزیولوژی، حرکتی، گردشی، گوارشی، تناسلی، غددی، عصبی و فکری را شامل می‌شود. برخی دیگر از محققان زیست‌شناسی سالمند را چنین تعریف نموده‌اند: «سالمند به فردی اطلاق می‌گردد که بیش از شصت سال سن داشته و به علت پیامدها و عوارض ناشی از کهولت سن و تغییرات فیزیولوژیکی که در بدن وی در اثر افزایش سن به وجود می‌آید نیاز به مراقبت و توانبخشی دارد و از نظر سنی به سه گروه سالمند جوان (۷۰-۶۰ سال)، سالمند میانسال (۹۰-۷۶ سال) و سالمند پیر (بالای ۹۰) تقسیم می‌گردند». (۲)

مفهوم سالمندی در علم روانشناسی

از نگاه برک سالمندی به دوره‌ای از تحول روانی در گستره زندگی گفته شده است که سنین تقریبی ۶۵ سال به بالا را دربر می‌گیرد. (۹) روانشناسان اعتقاد دارند که سالمندی مرحله‌ای منحصر به فرد است که ویژگی‌های روانی مشخصی دارد و در قالب وضعیت فروپاشی خودنمایی می‌کند و مسائل روانی و اجتماعی فرد را در تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. سالمندی، قدرت به کارگیری توانمندی‌های جسمی و عقلی برای رویارویی با فشارهای زندگی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد به‌گونه‌ای که پرداختن کامل به نیازمندی‌های محیطی غیرممکن می‌گردد. حتی دستیابی به حد میانه‌ای از تأمین نیازهای مختلف امکان‌پذیر نخواهد بود. (۲)

برخی دیگر از محققان می‌پندارند که سالمندی تنها عبارت نیست از تغییرات بدنی، بلکه شامل تغییر و عقب‌گرد در میدان ارتباطات اجتماعی که قبلاً بدان‌ها عادت کرده بود که سالمند پس از پیر شدن، ارتباطات اجتماعی و حالات و دوره‌های سابقش نیز کاهش می‌یابد، که این حالت سبب کمبود اعتماد به نفس در وی می‌شود و تصور می‌کند که سرپار جامعه و ابزاری از کار افتاده است.

سالمندی در اصطلاح فقه

«سالمندی» در صدور پاره‌ای احکام فقهی، اثرگذار است. احکامی چون، جهاد، روزه، شرکت در برخی فعالیت‌های اجتماعی دین اسلام و... گروهی از فقیهان «سالمند» را چنین تعریف کرده‌اند: «آن که به کهن‌سالی رسیده که در آن مقطع سنّی به هیچ گونه توان گرفتن روزه را نداشته باشد». از آنجا که این تعریف شامل اشخاصی نیز می‌شود که هنوز به سنّ سالمندی نرسیده‌اند، اما به دلیل ابتلا به مرضی مزمن، توانایی گرفتن روزه را ندارند؛ از این رو، تعریف یادشده جامع و مانع نیست.

دکتر عبداللطیف صالح در تعریف سالمند گوید: «هر شخصی را که به سبب طولانی شدن سنّش از نگهداری و خدمت به خویش ناتوان گشته باشد، سالمند گویند». برخی دیگر از فقها در تعریف سالمند گفته‌اند: «سالمند کسی است که سنش از شصت سال گذشته باشد». دکتر عبداللطیف صالح این تعریف را مورد نقد قرار داده و گوید: شاید اشخاصی یافت شوند که سنشان به شصت رسیده باشد در حالی که خیلی بسیار توانمند و سرچالند؛ لذا این تعریف نیز، جامع و مانع نیست. معادل واژه سالمند در زبان عربی، «شیخ» است. در قرآن سه بار این واژه به کار رفته است. در هر جایگاه (یعنی آیه ۱۱ قَصَص و آیه ۷۳ سوره هود و آیه ۷۸ سوره یوسف)، «شیخ» کسی خوانده شده که بر اثر سالخوردگی دچار ضعف و ناتوانی گشته است. در احکام سالمندان نیز تصریح شده که سالمندی، در تخفیف حکم، مؤثر است و سالمندان می‌توانند از رخصت استفاده کنند. کسانی از رخصت استفاده می‌کنند که در انجام تکالیف کم‌توان یا ناتوان باشند؛ از این رو، از میان تعاریفی که برای سالمند گفته شده، تعریف دکتر عبداللطیف صالح بهتر و دقیق‌تر می‌نماید که گوید: «سالمند کسی است که به دلیل طولانی شدن سنّ و گذراندن دوران جوانی، ضعیف گشته و از نگهداری خویش و انجام امور خود، عاجز و ناتوان باشد». (۲، ۵).

بزرگداشت سالمندان در روایات

سالمندان در جامعه از جایگاه ارزنده و مهمی برخوردارند. با وجود آنکه سنّ و تجربه آنها فرصتی برای ارتقاء سطح دانش و تجربه جوانان و میانسالان است، در صورت انحراف و کژروی نیز تهدیدی برای سلامت فکری و رفتاری جوامع به‌شمار می‌روند. در روایات اهل بیت (ع) غالباً به جایگاه هدایت‌گرانه و نقش مثبت سالمندان اشاره شده است و این

نشانگر آن است که این نقش آنها برجسته‌تر و افزون‌تر است. بخش درخور توجهی از روایات، بر لزوم بزرگداشت سالمندان و پاسداشت جایگاه آنان اشاره دارد. امام علی (ع) در فرازی از کلمات قصار نهج البلاغه، فرموده‌اند: «رَأَى الشَّيْخَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ جَلَدٍ (مَشْهَدٍ) الْغُلَامِ» (۲۳) یعنی: «رأی و اندیشه پیر را از نشاط (حضور) جوان بیشتر دوست دارم». این سخن حضرت نشان می‌دهد که وزن و بهای تجربه بر جوانی و نشاط چیرگی دارد. در سخنی دیگر از آن حضرت، تجربه و سالخوردگی یکی از گونه‌ها و نشانه‌های خردمندی خوانده شده است: «العقل عقْلان: عقل الطّبع و عقل التّجربه و كلاهما يؤدّي إلى المنفعة و الموثوق به صاحب العقل و الذّین...» (۱۷) ترجمه: «عقل دو گونه است: عقل طبیعی و عقل برآمده از تجربه و هر دو، سود و منفعت را به ارمغان می‌آورند و تنها به کسی می‌توان اطمینان نمود که هم صاحب عقل [به هر دو گونه‌اش] باشد و هم صاحب دین...». بر پایه این روایت، گونه‌ای از عقل و خردورزی تنها و تنها از راه تجربه و سپری نمودن زندگی سالیانی دراز حاصل می‌شود. این گونه از عقل، بی‌شک نزد سالخورده‌گان و بزرگان جامعه است و تنها از جانب آنان می‌توان بدین گوهر گرانبها دست یافت.

در کتاب الکافی کلینی که یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین منابع روایی شیعه است، فصلی با عنوان «إجلال الکبیر» وجود دارد که در آن، سه روایت، همگی بر لزوم بزرگداشت سالمندان اشاره دارند:

۱- امام صادق (ع) فرموده‌اند: «قال رسول الله (ص): من إجلال الله إجلال ذي الشّيبة المسلم». (۱۴).

در این روایت، حُرْمَت نهادن و بزرگداشت سالمندان مسلمان از مصادیق بزرگداشت مقام پروردگار برشمرده شده است. همسان این روایت را شیخ طوسی (۴۶۰ق) در أمالی خویش به نقل از آن حضرت گزارش کرده است: «بِجَلُّوا الْمَشَائِخِ، فَإِنَّ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ تَجْجِيلِ الْمَشَائِخِ»: پیران را بزرگ دارید زیرا یکی از نمدهای بزرگداشت شأن الهی، بزرگ داشتن آنهاست. (۲۶) گذشته از تصریح مشهود در متن دو روایت، با هم‌آیی بزرگداشت سالمندان با بزرگداشت شأن الهی نیز خود نشان از جایگاه والای سالخورده‌گان در فرهنگ دینی دارد.

۲- امام صادق (ع) فرموده‌اند: «لَيْسَ مِنْ مَنْ لَمْ يُوقَّرْ كِبِيرًا وَ يَرْحَمَ صَغِيرًا». در این روایت، امام صادق (ع)، فرموده هر کس بزرگان و سالخورده‌گان مسلمان را بزرگ نشمرد و بر کودکان رحم

می‌کند و برای دعا و خواسته آنان ارزش درخوری ذکر شده است. در روایتی آمده که رسول خدا (ص)، از امت خویش به‌ویژه پیرزنان می‌خواست تا برای ارتقاء جایگاه معنوی‌اش دعا کنند. آن حضرت این دعاها را در کسب درجات والاتر معنوی برای خویش، بسیار نقش‌آفرین می‌دانستند می‌فرمودند: «لَا أَنَالُهُ إِلَّا بِدُعَاءِ الْعَجَائِزِ مِنَ أُمَّتِي». سید نعمت‌الله جزائری (۱۱۲ق) در تأیید این نظرگاه که دعاها و تحیات مؤمنان در ارتقاء جایگاه معنوی و قرب رسول خدا (ص) نقش‌آفرین است، به این فرموده حضرت استناد جسته است. (۱۱۳).

انتقال علم و تجربه از جانب سالمندان، ضامن اصلاح جامعه بر اساس آموزه‌های دینی، تا زمانی که انتقال علم و تجربه از جانب سالمندان و افراد صاحب تجربه به جوانان صورت گیرد، جامعه در مسیر رشد و پیشرفت خویش گام خواهد برداشت، اما چنانچه این چرخه انتقال معکوس شده یا متوقف گردد، از جامعه نمی‌توان انتظار خیر و صلاح داشت. در روایتی از رسول مهرآیین اسلام (ص) نقل شده: «لَا يَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَتَاهُمُ الْعِلْمُ وَالنَّصِيحَةُ مِنْ قَبْلِ أَكْبَرِهِمْ، فَإِذَا أَتَاهُمْ مِنْ قَبْلِ أَصَاغِرِهِمْ هَلَكُوا» (۸) ترجمه: «پیوسته امت من قرین خیر و رحمت هستند تا زمانی که علم و نصیحت از جانب سالمندان و پیران در اختیار آنها قرار گیرد، چنانچه آن دو (یعنی علم و نصیحت)، از جانب افراد کم‌تجربه و کم‌سن بدانها برسد، هلاک می‌شوند.» مولانا جلال‌الدین، در کتاب مکتوبات خویش، در شرح این روایت نبوی گوید: «نصیحت چو از شاهان آید، بر رعیت مقبول افتد و دلها آن را تعظیم کنند و چون نصیحت از کهنتران به سوی مهتران آید، چنان جایگیر نبود.» (۸).

همان‌گونه که پیداست، در حالت طبیعی و پذیرفته، جریان و جهت انتقال دانش و تجربه در جامعه از سوی سالمندان به سوی میان‌سالان و جوانان است. چنانچه، این چرخه، خدشه‌دار شده یا معکوس گردد، جامعه به افول و تباهی کشانده خواهد شد.

باور و اعتقاد راسخ سالمندان؛ الگویی برای همه در روایتی از رسول خدا (ص) آمده که آن حضرت کسانی را که درباره سئواله «قضا و قدر» به بحث و گفتگوی دامنه‌دار می‌پرداختند نهی کرده و بدانها فرموده: «عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَائِزِ» یعنی همچون پیرزنان اعتقاد خویش را راسخ دارید و در این باره به غور و تعمق نپردازید. در نقلی دیگر آمده که: حضرت به پیرزنی برخورد که دست

نیارود، از ما نیست. بر این اساس می‌توان گفت: پاسداری مقام و شأن سالمندان و ترحم بر کودکان، از شروط مسلمانی و تشیع است. در روایتی دیگر، که در چندین اثر از آثار شیخ صدوق گزارش شده، امام رضا (ع) به واسطه امامان پیش از خود از رسول خدا (ص) روایت نموده که در بیان بخشی از آداب ماه رمضان فرمودند: «...وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ». بزرگان خویش را تکریم نمایید و با خردسالان رحمت پیشه کنید. (۱۴، ۲۰، ۲۱ و ۲۲).

۳- امام صادق (ع) فرموده‌اند: «عَظَّمُوا كِبَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَيْسَ تَصَلُّونَهُمْ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ كَفِّ الْأَذَى عَنْهُمْ». (۱۴).

در روایت سوم، امام صادق (ع) بر لزوم بزرگداشت بزرگان تأکید فرموده‌اند. این بزرگداشت در کنار یکی از دستورات مهم اخلاقی اسلام یعنی «صله رحم» ذکر شده تا اهمیت این دو دستور اخلاقی روشن گردد.

در روایتی دیگر از رسول خدا (ص) نقل شده: «الشَّيْخُ فِي قَوْمِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ». (۱۲).

یعنی سالمند در میان قوم خویش همچون نبی در یک امت است. نگاهی به لغت و فرهنگ عرب نشان می‌دهد که «شیخ»، تنها بر سالخوردگی دلالت ندارد، بلکه این «واژه» آمیزه‌ای از سه عنصر «سن»، «علم و شناخت» و «تجربه» را در بر می‌گیرد. با این توضیح، سالمندانی که افزون بر امتیاز سن یا تجربه، از معرفت و علم نیز برخوردار باشند بسان یک نبی در هدایت انسانها نقش‌آفرینی خواهند نمود. در روایتی دیگر از رسول خدا (ص) آمده: «أَفْضَلُ الْعِبَادِ مَنْ طَالَ عُمُرُهُ وَحَسَنَ عَمَلُهُ» یعنی برترین بندگان خدا کسی است که سنش افزون‌تر و عملش نیکوتر باشد. تلفیق دو معیار سن و کردار نیکو نیز با برتری شأن و جایگاه همراه است. (۲۵). بی‌شک در این برتری‌بخشی، ملاک قوت علم و عقل است، نه قوت جسمانی یا زیبایی‌چهره و شوکت و ثروت. در مثنوی معنوی آمده:

کشتی بی‌لنگر آمد مرد شرّ
که ز باد کثر نیابد او حذر

لنگر عقلست عاقل را امان
لنگری در یوزه کن از عاقلان (۷)

اثر دعای سالمندان
نظر به جایگاه والا و ارزنده سالمندان در فرهنگ دینی و تکریم آنان از سوی اهل بیت (ع)، در پاره‌ای روایات، آمده که خداوند به‌واسطه حضور سالمندان، بر دیگران رحم

مراد از «عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَائِزِ» امر به انقیاد محض است نه نهی از تفکر در معرفه الله. (۱۵).

شهید ثانی (۹۶۵ق) بر آن است که دستور به «الگوگیری از روش دین‌ورزی پیران» خطاب به گروهی از صحابه است که بر سر مسأله قضا و قدر با یکدیگر به بحث می‌نشستند؛ از این رو، رسول خدا (ص) بدانها فرمود: «همانا گروهی از گذشتگان در پی بحث و غور فراوان در این مسأله هلاک شدند.» شهید ثانی مراد آن حضرت از عبارت «عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَائِزِ» را وانهادن اندیشه و بحث بر سر مشیئت و قدر الهی دانسته است نه مطلق اندیشه و تفکر در مظاهر هستی و دیگر مسائل دینی (۵).

جایگاه و اعتبار سالخوردگان در درگاه الهی نگاهی به میراث دینی اسلام نشان می‌دهد که سالمندان و پیران در درگاه الهی از جایگاه و اعتباری ویژه برخوردارند. این اعتبار، در طلب نعمت و دعاء به درگاه الهی نیز نقش‌آفرین است. برای نمونه، سید علی‌خان مدنی در شرح دعای ۱۹ صحیفه سجّادیه، بدین حقیقت تصریح نموده که بر اساس منابع دینی، مستحب است که زاهدان، درست‌کاران، سالخوردگان، کودکان، چارپایان و پیرزنان درمانده را برای دعای طلب باران به فضایی خارج از شهر آورند تا به صفا و آبروی ایشان، خداوند باران رحمتش را بر دیگران ارزانی دارد. (۱۶).

تأکید بر ضرورت تکریم سالمندان در میراث روایی مسلمانان علی‌طبرسی نوّه طبرسی مفسّر، در مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار، که تکملة کتاب مکارم الأخلاق پدرش است، فصلی را با عنوان «فی إكرام الشيوخ» نام نهاده است (۲۴) که در آن روایات بسیاری را در زمینه ضرورت بزرگداشت سالمندان گردآوری کرده است. در این جایگاه شایسته است محتوای برخی روایات در این باره اشاره گردد:

امیر مؤمنان علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده که یکی از سه گروهی که پاسداشت شأن آنان همچون بزرگداشت مقام الهی است، پیران و سالمندان مسلمان هستند. یا در روایتی دیگر از رسول گرامی اسلام نقل شده که هر که سالمندی را به احترام سنّش تکریم کند، خداوند در سالخوردگی کسی را می‌گمارد که او را تکریم کند. در روایتی دیگر، به حیای الهی از عذاب‌کردن سالخوردگان سخن به میان آمده است. در جایی دیگر، ابن عباس صحابی از رسول خدا (ص) نقل کرده که هر کس سالمندان مسلمان را تکریم نکند، از مسلمانان و محبان خاندان وحی نیست. در

به دسته چرخ‌نخ‌ریسی داشت و پنبه نخ می‌کرد. حضرت از او پرسید: چگونه پروردگارت را شناختی؟ آن پیره‌زن دست از کار نگه داشت و چرخ از حرکت ایستاد. سپس به حضرت گفت: چرخ بدین خردی و سبکی بی‌محرّکی نمی‌چرخد، حال چگونه این آسمان با این همه برج و ستارگان بی‌محرّک و مدبّر در گردش باشد؟! و در اینجا بود که از آن حضرت فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَائِزِ» یعنی: همچون پیرزنان برای شناخت خدا استدلال کنید. روش دین‌داری را از پیرزنان فراگیرید؛ زیرا ایشان در دین بر اساس فطرت عمل می‌کنند و هوای نفس و عقلانیت خویش را در آن دخالت نمی‌دهند. در شریعت تصرف یا پرسش نابجا نمی‌نمایند. اما و اگر نمی‌کنند و مطیع و سرسپرده دستور پروردگارتند. این روایت، در صورت پذیرش، در صدد نفی تفکر و تعقل در دین نیست، بلکه در مقام تنقیح روش عقلانی برخورد با دین است. برخی از شاعران و حکیمان در دیوان اشعارشان بدین نکته اشاره داشته‌اند؛ نظامی گنجوی در خسرو و شیرین خود آورده:

از آن چرخ که گرداند زنِ پیر قیاس چرخ‌گردنده همی گیر (۱۸)
همچنین شیخ محمود شبستری در گلشن راز بدین نکته اشاره داشته است:

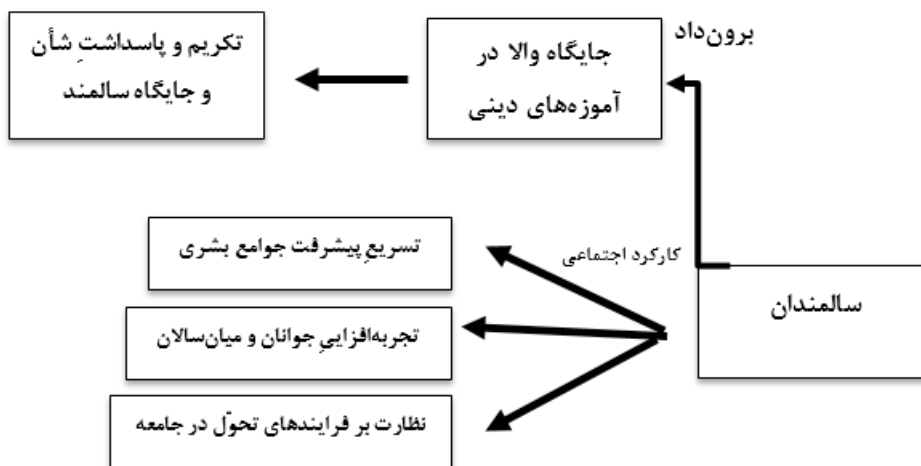
چه کردی فهم از این دین العجائز

که بر خود جهل می‌داری تو جایز
شمس‌الدین محمد لاهیجی در شرح کتاب گلشن راز، در تفسیر این بیت گوید:

یعنی از حدیث «عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَائِزِ» چه فهم کرده‌ای که بر خود جهل جایز می‌داری و در معرفت الهی سعی و اجتهاد نمی‌نمایی؟ مگر که چنین دانسته‌ای که تفکر در معرفت الله ممنوع است و قصد حضرت نبی علیه السلام آن است که چنانچه عجائز را قدرتی بر تفکر و استدلال نیست شما نیز به دین ایشان باشید؛ به آن معنی که طلب معرفت یقینی نمائید و اقتصار به مجرد تقلید کنید و بواسطه این فهم کج، خذلان جهل به خود راه داده و در راه طلب به قدم سعی نمی‌روی؟! بدان که به حقیقت، معنای این حدیث آنست که در جمیع احکام شرعیّه از مأمورات و منهیّات که دین عبارت از اوست، باید که به طریق انقیاد و متابعت همچو عجائز باشند و به عقل و هوای نفس تصرفی در آن نمایند و بی‌ضرورت تأویلی که خلاف ظاهر باشد نکنند که حکمت احکام شرعیّه به مجرد عقل دریافته نمی‌شود؛ نه آنکه ترک تفکر در معرفت الله نمایند و از طلب باز ایستند...

سالمندان» فراهم آورده است. روایات این بخش از کتاب وی عمدتاً از منابع روایی کهن و مشهور شیعه (همچون ثواب الأعمال صدوق، أمالی طوسی و...) تشکیل شده است. در این روایات، اهل بیت (ع) از یکسو، به صورت کلی، بر لزوم تکریم و بزرگداشت سالمندان سخن گفته‌اند و از سوی دیگر، ابعاد و مصادیق تکریم سالمندان را تبیین نموده‌اند. در کنار این دو رویکرد، ثمره و ثواب این تکریم و احترام را بازگو کرده‌اند (۱۷).

یافته‌ها



(ع)، تجربیات پیران از نشاط و جنب و جوش جوانان ارزنده‌تر است. بر این اساس، هرچه جوامع بشری، به سمت و سوی کاربست تجربیات سالمندان در عرصه‌های مختلف گام بردارند، به همان نسبت از رشد و پیشرفت برخوردار خواهند بود.

نتیجه‌گیری

نظر به آنچه گذشت، دوره سالمندی، بسته به نوع نگرش اجتماعی جوامع بشری نسبت به آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. در نگرش دینی، سالمندان، نظر به تجربه و رهاورد خرد و علمشان، از یکسو بایسته احترام هستند و از سوی دیگر، به عنوان عضوی از اعضای جامعه اسلامی باید مورد توجه قرار گیرند. بر اساس آموزه‌های دینی، سالمندان نقش مهم و اثرگذاری در شکل‌دهی اندیشه و اعتقاد اعضای جامعه ایفا می‌کنند. بر خلاف تصور رایج،

فرمایشی گهربار از رسول خاتم نقل شده که آن حضرت فرمودند: برترین مسلمانان، سالمندی است که در سالخوردگی و پیری، بر راه درست و پسندیده باشد. امام صادق (ع) از پدران مطهرشان نقل فرموده‌اند که یک پیر و یک جوان، نزد رسول خدا (ص) حاضر شدند. جوان پیشتر از پیر، به سخن درآمد، حضرت فرمودند: «الکبیر الکبیر»؛ یعنی، نخست بزرگان و شیوخ. این فرموده حضرت نشان می‌دهد این شأن و احترام در گستره‌ای وسیع (حتی) سخن‌گفتن نیز لازم‌الاجراست.

علامه مجلسی در بخشی از جلد ۷۲ کتاب بحار الأنوار روایاتی را با موضوع «لزوم ترحم بر کودکان و نیز بزرگداشت

بحث

این پژوهش با هدف تبیین جایگاه و نقش سالمندان و نحوه تعامل با آنها بر اساس روایات اهل بیت (ع) صورت پذیرفت. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که هرچه میزان تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تجربیات و دیدگاه‌های آنان بیشتر باشد، زمینه رشد و تعالی جامعه بیشتر خواهد بود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بر پایه آموزه‌های اسلامی، دوره سالمندی، دوره از کارافتادگی و خانه‌نشینی نیست، بلکه این دوره، دوران تغییر نقش‌آفرینی از «مشارکت مستقیم در کارها» به «انتقال تجربیات و هدایت‌گری نسل جوان» است.

نتایج این پژوهش نشان داد که سالمندان، افزون بر جایگاه معنوی و ارزشی والا در آموزه‌های دینی، الگوهای مؤثری در جوامع بشری به‌شمار می‌روند. از نظرگاه روایات معصومان

است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میان رشد و بالندگی جوامع بشری با میزان تکریم و بهره‌مندی از تجارب و آموزه‌های سالمندان نسبت مستقیمی وجود دارد؛ به بیان دیگر، سالمندی، دوره‌ای از کارافتادگی و انزوا نیست، بلکه دوران خدمت و نقش‌آفرینی، در شکلی متفاوت و البته ارزشمند است.

سالمندان، از کار افتاده نیستند، بلکه با تغییر نقش، وظیفه‌ای خطیر در شکل‌دهی اندیشه‌ی درست در جوان‌ترها و نیز انتقال تجربیات به آنها را ایفا می‌کنند. تکریم سالمندان، وظیفه‌ی مهمی است که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده است. جایگاه پیران خردمند در هر قومی به انبیاء تشبیه شده است و این بدان معناست که نقش سالمندان در هدایت‌گری دیگر اقشار جامعه بسیار حائز اهمیت است

References

1. The Holy Qur'an.
2. Abd ul-Latif, MKh. The psychology of The elderly. Cairo: Dar Gharib; nd.
3. Alipour, S. Forouzan, B. Jalilian. Quality of life of the elderly in District 8 of Tehran. *Salmand, Iranian Journal of Ageing*. 1998; 3(9&10): 75-83.
4. 'Āmilī, BMH (Sheikh Baha'ī). *Zubdat al-Uṣūl*. Researched by: Golbaqi Masouleh, AJ. Qom: Dar al-Bashīr; 1425 AH.
5. 'Āmilī, ZDAĀ (Shahid Thānī). *Haqā'iq al-Imān*. Researched by: Rajaei, SM. Qom: Library of Ayatullah Mar'ashi Najafi; 1409 AH.
6. Al-Babertī, ADMM. *Al-Inayah fi Sharh al-Hedayah*. Bulaq; 1318 AH.
7. Balkhi, JDM. *Mathnavi-ye Ma'navi*. Researched by: Reynold AN. Leiden: Brill; 1925.
8. Balkhi, JDM. *Letters (Rumi)*. Researched by: Tawfiq Sobhani. Tehran: University Publishing Center; 1992.
9. Berk, L.E. *Development Through the Life Span*. 6th ed. New York: Pearson; 2013.
10. Ghazālī, AHM. *Ḥiyā'-u 'Ulūm al-Din*. Cairo: Dar al-Shu'ab; nd.
11. Haqqī Bursevī, IM. *The Commentary of Rūh al-Bayān*. Beirut: Dar al-Fikr; nd.
12. Ibn 'Uqda, AM. *Fadā'il-u 'Amīr al-Mu'minīn (AS)*. Researched and Edited by: Hīrz al-Dīn ARMH. Qom: Dalil-e Ma; 1424 AH.
13. Jazāyerī, N. *Kashf al-Asrār fi Sharh al-Iṣṭibār*. Researched by: Tayyib Mousawi Jazāyerī. Qom: Dar al-Kitāb; 1408 AH.
14. Kuleinī, MY. *Al-Kafī*. Researched by: Dar al-Hadith Institute. Qom: Dar al-Hadith; 1429 AH.
15. Lahiji, ShDM. *Mafātīh al-Ijāz fi Sharh Golshan-e Raz*. Introduction, Edition and Additions by: Khaleqi, MR and Karbasi, E. 6th ed. Tehran: Zowwar; 2006.
16. Madani, SAKh. *Riyād al-Sālikīn fi Sharh Saḥīfah Sayyid al-Sājidīn (a)*. Qom: Al-Nashr al-Eslami Institute; 1409 AH.
17. Majlesi, MB. *Bihar al-Anwar*. Researched by: Behboudi, MB. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyah; 1403 AH.
18. Nezami Ganjavi, IY. *Khosrov and Shirin*. Edition and Additions by: Dasgerdi, HV. Tehran: Zowwar; 2006.
19. Rāghib Isfahānī, HM. *Al-Mufradāt fi Gharīb Al-Qur'an*. Researched by: Dāwūdī SA. 4th ed. Damascus/Beirut: Dar al-Shāmīah/Dār Al-'Ilm; 1412 AH.
20. Ṣadūq, MA. *Al-Amālī*. 6th ed. Tehran: Ketabchi; 1997.
21. Ṣadūq, MA. *'Uyūn Akhbār al-Riḍā*. Researched and Edited by: Lajvardi, M. Tehran: Naqsh-e Jahan; 1999.
22. Ṣadūq, MA. *Faḍā'il al-Ashhur al-Thalāthah*. Researched and Edited by: Yazdi, GhR. Qom: Davari Bookstore; 2006.
23. Al-Sharif al-Radi, AHMHM. *Nahj al-Balaghah*. Researched by: Subhi Al-Saleh. Qom: Hijrah; 1414 AH.
24. Tabresi, AFAH. *Mishkat Al-Anwar fi Durar al-Akhbar*. Qom: Aal al-Bayt; 1423 AH.
25. Tirmidhi, MI. *Al-Jami'*. Researched and Edited by: Bashir Awwad Marouf. Beirut: Dar al-Gharb; 1996.
26. Tūsī, MH. *Al-Amālī*. Researched by: Al-Bi'tha Institute. Qom: Dar al-Thiqāfah; 1414 AH.